

روابط کتابشناختی در فهرست‌نویسی توصیفی

رحمت الله فتاحی^۱

چکیده: روابط یا پیوند کتابشناختی به رابطه‌ای گفته می‌شود که میان دو یا چند اثر در جهان کتابشناختی برقرار است. رابطه‌هایی مانند ویرایش جدید، ترجمه، اقتباس، خلاصه و نیز شکل‌های مادی گوناگون مثل عکس، میکروفیلم، سایر مواد دیداری و شنیداری و الکترونیکی و مانند آن از آن جمله هستند. رابطه‌های هم‌ارز، اشتقاقی، توصیفی، کلّ و جزء، همراهی، توالی، انزاعی و مادی اثر، و رابطه و بزرگیهای مشترک انواع این روابط هستند. درست نشان دادن رابطه دو یا چند اثر در فهرست کتابخانه یکی از هدفهای مهم فهرست‌نویسی است. پیشینه روابط کتابشناختی، روابط کتابشناختی در فهرست‌نویسی توصیفی، عناصر ارتباط دهنده، و ماتریس انواع روابط کتابشناختی و عناصر ارتباط دهنده آنها مورد توجه است.

مقدمه

مقاله حاضر به بررسی انواع روابط کتابشناختی^(۱) و وابستگی‌هایی که میان دو یا چند اثر وجود دارد می‌پردازد. هدفهای مورد نظر در تدوین این مقاله عبارتند از:
الف. ضرورت بازشناسی رابطه‌های میان آثار در دست فهرست‌نویسی با آثار موجود در مجموعه کتابخانه به منظور فهرست‌نویسی بهتر آن آثار و نشان دادن صحیح این رابطه‌ها در فهرست کتابخانه؛
ب. ارائه دیدگاهی نو نسبت به ارزش فهرست‌نویسی توصیفی.

۱. عضو هیأت علمی دانشکده علوم تربیتی دانشگاه فردوسی مشهد

۲. پیشینه توجه به روابط کتابشناختی

مفهوم روابط کتابشناختی در فهرست‌نویسی توصیفی کم و بیش به گونه‌ای ضمنی در قواعد فهرست‌نویسی دو قرن اخیر مطرح شده است. به‌طور معمول در هر یک از قواعد فهرست‌نویسی حاضر تمهیداتی برای نشان دادن رابطه یک اثر با آثار وابسته به آن در فهرست در نظر گرفته شده است. آنتونی پانیتزی^۱، چارلز جوت^۲، و چارلز کاتر^۳ از نخستین افرادی بودند که به اهمیت برقراری روابط کتابشناختی پی بردند. در قرن حاضر بارزترین چهره‌ای که بر لزوم به ضابطه درآوردن روابط میان آثار در فهرست تاکید و اصول آن را پیشنهادی کرد، سیمور لوبتسکی^۴ است. اصول پیشنهادی او تأثیر زیادی بر اصول و قواعد فهرست‌نویسی معاصر، به‌ویژه بر کنفرانس بین‌المللی اصول فهرست‌نویسی، پاریس ۱۹۶۱، داشته است^(۳). بیشتر قواعد فهرست‌نویسی موجود بر پیشنهادات آن کنفرانس استوار است.

۳. مرور متون مربوط به روابط کتابشناختی

تا دهه اخیر کمتر پژوهشی درباره روابط کتابشناختی انجام شده بود. یکی از نخستین کارهای انجام شده در این زمینه از آن گوسن و ماتزور - رزسوس است^(۳) که در سال ۱۹۸۲ انجام گرفت. اما، بارزترین و ارزشمندترین پژوهش توسط باربارا تیلت^(۴) صورت گرفته است. این پژوهش پایان‌نامه دکتری وی در دانشگاه کالیفرنیا است. تیلت ضمن بررسی تاریخی و تحلیلی روابط کتابشناختی در قواعد فهرست‌نویسی مختلف، دست به پژوهشی آماری در فهرست کامپیوتری کتابخانه کنگره زده است و با بررسی حدود ۲۱۰۰۰ نمونه از بیش از ۲/۵ میلیون رکورد موجود در آن فهرست، انواع و درصد هر یک از روابط کتابشناختی را مشخص ساخته است. حاصل پژوهش وی، جدای از پایان‌نامه دکتری وی، به صورت چند مقاله ارزشمند در مجله‌های معتبر فهرست‌نویسی به چاپ رسیده است^(۵).

با وجود آنکه روابط کتابشناختی در محدوده آثار فارسی و عربی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و آثار بسیاری در زمینه‌های ادبیات، دین، تاریخ و مانند آنها وجود دارد که دارای ارتباط کتابشناختی با دیگر آثار یا آثار وابسته به خود هستند، اما پژوهشی مستقل در این باب صورت نگرفته است. جدا از اهتمام فهرست‌نگاران نسخه‌های خطی که به‌طور ضمنی رابطه نسخه خطی مورد توصیف را با نسخه اصلی و نسخ دیگر بررسی کرده و مورد توجه قرار داده‌اند،

1. Antony Panizzi

2. Charles Jewet

3. Charles Cutter

4. Seymour Lubetzky

بهاء‌الدین خرمشاهی^(۶) و ابراهیم افشار زنجانی^(۷) هر یک جداگانه جنبه‌هایی از این موضوع را در حوزه آثار فارسی و عربی مطرح ساخته‌اند که می‌تواند نقطه آغازی برای ادامه پژوهشی توسط دیگران باشد. شایان ذکر است که روابط کتابشناختی در برخی از رده‌های فهرست‌نویسی، مثل رده BP (اسلام)، PIR (ادبیات فارسی) و مانند آنها به‌طور ضمنی مورد توجه قرار گرفته است.

۴. روابط کتابشناختی در فهرست‌نویسی توصیفی

رابطه یا پیوند کتابشناختی به رابطه‌ای گفته می‌شود که میان دو یا چند اثر در جهان کتابشناختی^۱ برقرار است. جهان کتابشناختی به کل آثار انتشار یافته و روابط میان آنها در سطوح مختلف گفته می‌شود. مفهوم روابط کتابشناختی بر این فرض استوار است که اثری که خلق می‌شود، گذشته از پیوستگی محتوایی با منابعی که در تهیه آن مورد استفاده قرار گرفته‌اند، امکان دارد توسط آفریننده آن یا افراد دیگر به صورتهای مختلف بازآفرینی و به جهان کتابشناختی افزوده شود، مثل ویرایشهای جدید، ترجمه‌ها، اقتباسها، خلاصه‌ها، و مانند آنها و نیز شکل‌های مادی گوناگون مثل چاپ عکس، میکروفیلم، یا به صورت دیداری، شنیداری، الکترونیکی و مانند آنها. آثاری که بدین ترتیب خلق می‌شوند با عنوانی یکسان با عنوان اثر اصلی یا با عنوانهایی متفاوت ظاهر می‌شوند. روابط کتابشناختی از هر نوع که باشد نهایتاً بر روی فهرستبرگه‌ها در برگه‌دان یا رکوردها در فهرست کامپیوتری نشان داده می‌شود.

بخشی از قواعد موجود فهرست‌نویسی تمهیدات لازم را برای ثبت و توصیف دقیق روابط کتابشناختی در فهرست کتابخانه پیشنهاد می‌کند. به عبارت دیگر، قواعد فهرست‌نویسی ابزار مهار رابطه‌ها در جهان کتابشناختی به شمار می‌روند و اسباب و سازوکارهای لازم را نیز برای به ضابطه درآوردن و ثبت رابطه ارائه می‌کنند. مطالعه سیر تحول مجموعه کتابخانه‌ها و سیر تاریخی تدوین قواعد فهرست‌نویسی نشان می‌دهد که به موازات رشد مجموعه کتابخانه‌ها و ورود انواع جدید آثار و مواد کتابخانه‌ای، قواعد فهرست‌نویسی نیز به منظور مهار کردن روابط کتابشناختی متحول شده‌اند. تدوین اصول فهرست‌نویسی، به‌ویژه هدفها و کارکردهای فهرست^۲، در دو قرن اخیر توسط سرآمدانی چون پاینتزی، کاتر و لوبتسکی بیشتر در جهت مشخص کردن روابط کتابشناختی در فهرست کتابخانه و تعیین مبنای توصیف^۳ بوده است. مبنای توصیف

1. bibliographic universe

2. objectives and functions of the catalog

3. basis for description

یکی از موارد مناقشه‌آمیز در فهرست‌نویسی توصیفی است: برخی اعتقاد دارند که اثر اولیه و اصلی باید مبنای توصیف قرار گیرد و سرشناسه و شناسه‌های افزوده مبتنی بر آن باشند. در مقابل، دیگران معتقدند که مدرک در دست فهرست‌نویسی - و نه اثر اولیه - باید مبنای توصیف باشد و شناسه‌ها بر اساس آن تعیین شوند. رهبرد هر یک از این دو گروه بر هدفها و کارکردهای فهرست و قواعد مربوط به تعیین شناسه‌ها و شکل شناسه‌ها تأثیر می‌گذارد^(۹). بر مبنای پیشنهاد لوبتسکی و تصویب کنفرانس پاریس هدفهای فهرست عبارتند از^(۱۰):

۲. فهرست کتابخانه باید ابزار مؤثری برای اطلاع از موارد زیر باشد:

۱-۲. آیا کتابخانه کتاب خاصی را که اطلاعات زیر از آن در دست است دارد؟

الف. نام نویسنده و عنوان، یا

ب. عنوان به تنهایی (چنانچه نام نویسنده و عنوان برای شناسایی کتاب مناسب

یا کافی نباشد)

۲-۲. الف. چه آثاری از یک نویسنده خاص، و

ب. چه ویرایشهایی از یک اثر خاصی در کتابخانه موجود است؟

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، هدف ۲-۲ الف که مبتنی برگرد آوردن آثار هر نویسنده در کنار هم در فهرست است، از طریق نام یکسان (یا متحد الشکل)^۱ نویسنده تحقیق‌پذیر است. به عبارت دیگر، آثار یک نویسنده تنها در صورتی در فهرست در کنار هم قرار خواهد گرفت که نام نویسنده به یک شکل در روی فهرست‌برگه‌های آثار وی ثبت شود. هدف ۲-۲ ب که مبتنی بر گردآوری و نشان دادن ویرایشها و صورتهای گوناگون یک اثر در کنار هم است، از طریق سرشناسه یکسان و عنوان قراردادی یکسان حاصل می‌شود. تحقق همین هدفها، به‌ویژه هدف دوم است که کار فهرست‌نویسی را ارزشمندتر و در عین حال کاری پژوهشی و دشوار می‌سازد. کشف روابط میان آثار و نشان دادن آنها به شکل قابل فهم و سودمند در فهرست در بیشتر موارد نیاز به پژوهش و مراجعه به منابع مرجع دارد. این امر در فهرست کتابخانه‌های بزرگ و فهرستگانها که شمار آثار پیوسته و مرتبط افزایش می‌یابد چشمگیرتر است. به‌عنوان نمونه، بنگرید به انواع گوناگون آثار مرتبط به نهج البلاغه، مثنوی معنوی یا شاهنامه فردوسی و مانند آنها در فهرستهای بزرگی چون فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشگاه تبریز؛ و یا چنانچه از طریق شبکه جهانی اینترنت به فهرست کتابخانه‌های بزرگ خارجی دسترسی دارید، به مجموعه آثار مرتبط و وابسته به هاملت شکسپیر بنگرید که مهار

روابط کتابشناختی میان آنها تا چه مهم و در عین حال دشوار است. یکی از جنبه‌های پر اهمیت در به ضابطه در آوردن روابط کتابشناختی در فهرستنویسی توصیفی، تعریف دقیق و بنیادی انواع صورتهای یک اثر در سطوح مختلف کتابشناختی^۱ است. منظور از سطوح کتابشناختی سلسله مراتبی است که اثر از بالاترین سطح (یعنی اثر به شکل انتزاعی) شروع به پایین‌ترین سطح (یعنی به شکل مدرک فیزیکی) ختم می‌شود. همان‌گونه که اشاره شد، هر اثر امکان دارد در طول زمان به صورتهای گوناگون انتشار یابد، مثل انواع ویرایشها، روایتها^۲، اقتباسها^۳، بازنگریها^۴ و مانند آنها. به هر صورت، هنوز توافق همگانی و جهانی در مورد تعریف هر یک از این صورتهای وجود ندارد. برای مثال، واژه ویرایش توسط اشخاص گوناگون (نویسندگان، ناشران، کتابشناسان و کتابداران) به معانی و مفاهیم مختلف به کار رفته و برداشت هر یک از این واژه نسبت به دیگری متفاوت است. این مشکل بالطبع به فهرستنویسی توصیفی و قواعد مربوط به آن وارد شده است. در برخی موارد تشخیص میان دو ویرایش یا این که اثری ویرایش جدید محسوب می‌شود یا نه، و آیا باید مجدداً و به طور جداگانه فهرستنویسی شود یا نه، دشوار است. در همین راستا، تصمیم‌گیری در مورد تعیین سرشناسه، شناسه‌های افزوده، و عناصری که ارتباط ویرایشها و صورتهای گوناگون را با یکدیگر و با اثر اصلی برقرار می‌کند به کندوکاو بیشتری نیاز دارد. سبب عمده ناهماهنگی فهرستبرگه‌های آثار مرتبط و وابسته در فهرست‌های بزرگ و فهرستگانها، و نیز یکی از سببهای تکراری بودن رکوردها در مراکز کتابشناختی بزرگ مثل ا.سی.ال.سی. ناشی از مشخص نبودن حد و مرز میان مفاهیم و سطوح کتابشناختی است.

۴-۱. عناصر ارتباط‌دهنده^۵

معمولاً در فهرستنویسی توصیفی به منظور نشان دادن رابطه میان دو یا چند اثر از شباهت میان داده‌های کتابشناختی موجود در فهرستبرگه‌ها استفاده می‌شود. برای مثال سرشناسه یکی از مهمترین عناصر ارتباطی است که پیوند میان اثر اصلی و کلیه آثاری را که مستقیماً از آن برگرفته شده‌اند نشان می‌دهد. بدین ترتیب که اثر اصلی و آثار مرتبط به آن دارای سرشناسه یکسان هستند و در نتیجه در فهرست در کنار هم قرار می‌گیرند. عنوان قراردادی نیز یکی دیگر از عناصر ارتباطی مهم محسوب می‌شود که آثار مرتبط به یک اثر را در فهرست در یک جا گرد می‌آورد.

1. bibliographic levels

2. versions

3. adaptations

4. revisions

5. linking devices

بتدریج با تحول قواعد فهرستنویسی و افزایش مجموعه کتابخانه‌ها در طول دو قرن گذشته بر تعداد عناصر ارتباطی افزوده شده است. مقایسهٔ "قواعد فهرستنویسی موزهٔ بریتانیا" که توسط پاینتزی در سال ۱۸۴۱ تدوین شد با "قواعد فهرستنویسی انگلومایرکن ۲" این تحول را به خوبی نشان می‌دهد.

به طور کلی هیچ‌یک از عناصر ارتباطی به تنهایی قادر به نشان دادن دقیق، کامل و بلافصل رابطهٔ میان دو اثر مرتبط نیست، بلکه معمولاً جمع بیش از دو عنصر می‌تواند ارتباط کامل را نشان دهد. برای مثال، سرشناسهٔ یکسان به تنهایی نمی‌تواند رابطهٔ میان یک اثر و برگزیدهٔ آن را نشان دهد، چه احتمال دارد که آثار دیگر نویسنده (که طبیعتاً عنوان متفاوتی دارند) میان فهرستبرگهٔ مربوط به اثر اصلی و برگزیدهٔ آن قرار گیرد. در چنین مواردی، رابطهٔ بلافصل میان اثر و برگزیده، یا شرح یا اقتباس آن زمانی به روشنی نشان داده می‌شود که عنوان قراردادی و توصیفگر مربوط (مثل: شرح، برگزیده، تلخیص و مانند آنها) میان سرشناسه و عنوان گنجانده شود؛ مثال:

مولوی، جلال الدین محمد بن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۲ق.

[شمس تبریزی. برگزیده]

غزل شمس: گزیده غزلیات مولوی / به انتخاب و روایت ناصر شکوری. - تهران: |

امیرکبیر، ۱۳۶۳.

ص. ۳۴۱.

۱. شعر فارسی - قرن ۷ق. الف. شکوری، ناصر. ب. عنوان. ج. عنوان: شمس

تبریزی.

ماتریسی که در پایان مقاله آمده است عناصر ارتباطی و نوع رابطه‌هایی را که برقرار می‌کنند نشان می‌دهد.

۴-۲. انواع روابط کتابشناختی

میان دو اثر ممکن است روابط گوناگونی - بسته به ماهیت و شکل به وجود آمدن آثار - برقرار باشد. روابط کتابشناختی به دسته‌های مختلف گروه‌بندی شده است؛ اما کاملترین دسته‌بندی توسط تیلت^(۱۱) انجام شده و "گروه بررسی ملزومات کارکردی رکوردهای کتابشناختی"^۱ وابسته به ایفلا^(۱۲) آن را به صورت زیر اساس کار خود قرار داده است:

یک. رابطه هم ارز^۱

این نوع رابطه میان دو نسخه مشابه از یک اثر، یا میان اثر اصلی و نسخه‌ای که بدون تغییر محتوا از روی آن تهیه شود (مثل بازچاپ، افست، فتوکپی، نسخه عکسی، میکروفیلم و میکروفیش) برقرار است. قواعد فهرست‌نویسی موجود دو راه برای نشان دادن رابطه میان دو اثر معادل پیشنهاد می‌کنند: (۱) نوشتن اطلاعات نسخه برابر در قسمت یادداشتها روی فهرستبرگه اثر اصلی، یا (۲) تهیه فهرستبرگه‌ای جدید برای نسخه برابر و ثبت اطلاعات نسخه اصلی در قسمت یادداشتها. بدیهی است در این نوع رابطه در سایر عناصر کتابشناختی مثل سرشناسه، عنوان، موضوع، و مانند آنها تغییری حاصل نمی‌شود.

فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۱۶ م.ق.

[شاهنامه]

شاهنامه فردوسی / [به تصحیح و مقدمه ژول مول]؛ دیباچه شاهنامه ترجمه جهانگیر افکاری. - تهران: کتابهای جیبی، ۱۳۶۳، ۱۳۵۳.

ص. ۷. (یک جلد دیباچه)

این چاپ از روی شاهنامه فردوسی چاپ پاریس افست شده است.

در مقایسه با گذشته، شمار این گونه رابطه‌ها در فهرست کتابخانه به سبب ورود انواع نسخه‌های معادل - که به کمک تکنولوژی جدید امکان‌پذیر شده - افزایش یافته است.

دو. رابطه اشتقاقی^۲

این گونه پیوستگی میان اثر اصلی و آثاری که از آن حاصل می‌شوند، یا بر اساس آن - خواه توسط خالق اثر یا دیگران - تهیه می‌شوند برقرار است؛ مثل رابطه‌ای که میان اثر اصلی و ویرایشها، ترجمه‌ها، اقتباسها، خلاصه‌ها، چکیده‌ها، متنهای ساده‌نویسی شده، متنهایی که از نظم به نثر در آمده یا بالعکس وجود دارد. این رابطه یکی از مهم‌ترین انواع پیوندهای کتابشناختی است که شمار آن در فهرستها به‌ویژه در زمینه علوم انسانی (مثل ادبیات، هنر، تاریخ، سیاست و مانند آنها) چشمگیرتر است. هدف ۲-۲ ب تدوین شده در کنفرانس پاریس در واقع برای نشان دادن این نوع رابطه است.

عناصر ارتباطی که برای نشان دادن رابطه اشتقاقی در فهرستها به کار برده می‌شود عبارتند از: سرشناسه یکسان، عنوان قراردادی یکسان، شرح و ویرایش، یادداشتها، شناسه‌های افزوده،

سرعنوانهای موضوعی یکسان و ارجاعها.

نظامی، الیاس بن یوسف، ۵۳۰ - ۶۱۴ق.

[خسرو شیرین. برگزیده]

خلاصه داستان خسرو شیرین/ با شرح لغات و عبارات و توضیح ادبی؛ به کوشش برات زنجانی. - تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲، ۱۳۵۴.

۴۸ ص.

۱. شعر فارسی - قرن ۶ق. الف. زنجانی، برات، مصحح. ب. عنوان. ج. عنوان:

خسرو و شیرین.

سه. رابطه توصیفی^۱

رابطه توصیفی یا تشریحی رابطه‌ای است که میان یک اثر و اثر دیگری که آن را توصیف، تشریح، نقد و ارزشیابی می‌کند برقرار است؛ مثل پیوند میان یک اثر و نقدی که در باب آن نوشته شده است. عناصر ارتباطی که برای نشان دادن رابطه توصیفی در فهرست به کار می‌رود

عبارتند از: عنوان قراردادی یکسان برای اثر اصلی و توصیف یا نقد آن، شناسه افزوده نام /

عنوان برای اثر اصلی، یادداشتها، و سرعنوان موضوعی یکسان.

بقال، عبدالحسین محمد علی، شارح

شرح البدایه فی علم الدرايه / اخراج و تعليق و تحقيق عبدالحسين محمد علی

بقال. - طهران: مکتبه چهل ستون العامه، ۱۴۰۲ق.

ج:

این کتاب شرح کتاب الدرايه اثر شهید ثانی است.

۱. حدیث - علم الدرايه. الف. شهید ثانی، زین الدین بن علی. الدرايه. ب. عنوان.

ج. عنوان: الدرايه.

چهار. رابطه کل و جزء^۲

این گونه پیوستگی میان محلّ یک اثر و هر یک از اجزاء آن برقرار است؛ مثل رابطه میان اثر اصلی و فروست آن، یا رابطه میان اثری که بخشی از یک اثر بزرگتر به حساب می‌آید. رابطه میان اثری که در یک مجموعه مقالات، مجموعه داستانها، مجموعه اشعار، جنگها و مانند آنها منتشر می‌شود با کلّ اثر یا مجموعه در این مقوله می‌گنجد.

عناصر ارتباطی این گونه رابطه عبارتند از: یادداشت مندرجات، فروست، شناسه افزوده نام /

عنوان، شناسهٔ افزودهٔ فروست، و شناسهٔ افزوده برای مندرجات. اگر چه قواعد فهرست‌نویسی تمهیدات لازم برای نشان دادن این گونه پیوستگی را فراهم آورده‌اند، اما برخی کتابخانه‌ها این رابطه را نادیده گرفته و عناصر ارتباطی آن را در فهرست‌برگه ذکر نمی‌کنند. با این کار، در واقع بخشی از هدفهای فهرست که نشان دادن کلیهٔ آثار موجود در کتابخانه و نیز آثار موجود از یک نویسنده است برآورده نمی‌شود. برای مثال، در حالی که برخی از مهم‌ترین آثار نویسندگان و دانشمندان در مجموعه مقالات کنفرانسها، یادنامه‌ها، مجموعه داستانها، جنگها و مانند آنها چاپ می‌شود، بازبایی آثار کامل آنها در فهرست به سبب عدم تهیه شناسه‌های افزوده (یعنی همان عناصر ارتباطی) امکان‌پذیر نیست.

هدایت، مهدیقلی، ۱۳۴۳ - ۱۳۳۴.

طلوع مشروطیت / مهدیقلی هدایت (فجرالسلطنه)، به کوشش امیر اسماعیلی. - تهران: جام، ۱۳۶۳
۲۹۲ ص.

این کتاب چهارمین بخش از کتاب گزارش نامه ایران است.

۱. ایران - تاریخ - انقلاب مشروطه، ۱۳۲۴ - ۱۳۲۷ ق. الف. اسماعیلی، امیر، مصحح. ب. عنوان. ج. عنوان: گزارش نامه ایران.

پنج. رابطهٔ همراهی^۱

این نوع رابطه میان اثر و ماده‌ای که همراه آن منتشر می‌شود و لازم است همراه آن مورد استفاده قرار گیرد برقرار است. مادهٔ همراه گاهی به عنوان بخشی از اثر اصلی قلمداد می‌شود، مثل پی‌افزوده‌های یک کتاب یا پایان‌نامه، یا نقشه‌های ضمیمه یک اثر و مانند آنها. مادهٔ همراه گاهی به‌طور مستقل نیز به کار می‌رود، مثل نوار کاست، نوار ویدئو و دیسک کامپیوتری که همراه اثر اصلی توزیع می‌شود.

محمدی، ناصر

مقاومت مصالح / تألیف ناصر محمدی. - اصفهان: دانشجو، ۱۳۶۱.

۲۹۷ ص.: مصور، جدول، نمودار.

به انضمام: کتابچه حل مسائل مقاومت در ۸۴ صفحه.

عناصر ارتباطی که برای نشان دادن این گونه پیوند در فهرست‌برگه به کار می‌رود عبارتند از:

شرح توصیفی ماده همراه، یادداشت "به انضمام"، توصیف چند سطحی^۱ یا فهرستبرگه جداگانه‌ای که برای ماده همراه تهیه می‌شود و در آن یادداشتی مبنی بر ارتباط آن ماده با اثر اصلی می‌آید.

شش. رابطه توالی^۲

این گونه پیوند به رابطه‌ای گفته می‌شود که میان یک اثر و اثر دیگری که آن را ادامه می‌دهد و تکمیل می‌کند برقرار است. مثل رابطه میان اثر اصلی و تکمله آن، یا رابطه میان یک نشریه ادواری که با نام و شکل تازه‌ای نشریه پیشین را ادامه می‌دهد.

عناصر ارتباطی که برای نشان دادن این گونه رابطه در فهرست به کار می‌رود عبارتند از: یادداشتهای مبنی بر عنوان پیشین، یادداشتهای مبنی بر عنوان بعدی، شناسه افزوده برای عنوان پیشین یا بعدی، و نیز به عنوان قراردادی یکسان برای اثر اصلی و دنباله آن.

نوایی، عبدالحسین، ۱۳۰۲ - ،گردآورنده

اسناد و مکاتبات سیاسی ایران/ به اهتمام عبدالحسین نوایی. - تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳.

ج.۲

جلد اول این کتاب توسط بنیاد فرهنگ ایران در سال ۱۳۵۱ انتشار یافته است.

هفت. رابطه انتزاعی و مادی اثر^۳

این رابطه میان اثر- که دراصل به شکل انتزاعی (غیرمادی) خلق می‌شود و شکل مادی آن برقرار است، مثل رابطه میان دیوان حافظ به عنوان یک اثر مجرد با انواع صورتهای مادی آن (اعم از نسخه های خطی و چاپی). این رابطه زمانی پدید می‌آید که آفریننده اثر، اثر خود را به عنوان محصولی مادی در دسترس دیگران قرار می‌دهد. بدیهی است آثار انتزاعی تنها در صورتی که در شکل مادی قابل دسترس باشند به مجموعه کتابخانه راه می‌یابند و فهرستنویسی می‌شوند. به‌طور معمول عناصر ارتباطی چون سرشناسه و عنوان قراردادی برای نشان دادن این گونه رابطه به کار می‌رود.

۱. توصیف چند سطحی (multilevel description) به حالتی گفته می‌شود که هم کل اثر فهرستنویسی می‌شود و هم یکایک آثار موجود در آن.

هشت. رابطه ویژگیهای مشترک^۱

این پیوستگی میان آثاری برقرار است که هیچ نوع ارتباطی مانند موارد پیشین با یکدیگر ندارند اما به طور اتفاقی در یک یا چند جنبه با یکدیگر مشترکند، مثل دو کتاب که از نظر عنوان، یا موضوع، یا زبان، تاریخ انتشار، محل نشر، و مانند آنها با یکدیگر مشابهند. این گونه رابطه در فهرستهای کامپیوتری و پایگاههای کتابشناختی مثل مقاله‌نامه‌ها و چکیده‌نامه‌های کامپیوتری از ارزش بیشتری برخوردار است، زیرا با استفاده از توانایی کامپیوتر می‌توان جستجو برای مطلب خاصی را براساس این ویژگیها خاص تر یا محدودتر کرد، مثلاً آثاری را جستجو کرد که در سال معین، به زبان معین، یا توسط ناشر معین انتشار یافته‌اند. در این نوع، جز همان داده‌های مشترک، عناصر ارتباطی خاصی برای نشان دادن این گونه رابطه وجود ندارد.

۵. نتیجه

در جهان کتابشناختی روابط گوناگون میان آثار وجود دارد. درست نشان دادن رابطه میان دو یا چند اثر در فهرست کتابخانه یکی از هدفهای مهم فهرستنویس است. از این رو، فهرستنویس هنگام فهرستنویسی هر اثر باید به نکته‌های زیر توجه داشته باشد:

- اثر در دست فهرستنویسی چگونه اثری است و چه نوع رابطه‌ای با آثار موجود در جهان کتابشناختی، به ویژه با آثار موجود در مجموعه کتابخانه دارد؟ به عبارت بهتر، لازم است پیش از توصیف و فهرستنویسی اثر، رابطه آن را با سایر آثار شناسایی کرد.
- نشان دادن هر نوع رابطه چه اهمیتی در فهرست کتابخانه و در واقع برای استفاده کنندگان از فهرست دارد؟

- آیا رابطه میان دو یا چند اثر به درستی در فهرستبرگه‌ها منعکس شده است؟ و آیا آن رابطه از نظر استفاده کنندگان روشن و مفهوم است؟
- آیا از عناصر ارتباطی (و در واقع از داده‌های کتابشناختی) مورد نظر به نحو صحیح استفاده شده است؟

- چنانچه فهرست دستی (فهرستبرگه‌ها) به فهرست کامپیوتری تبدیل شود، آیا عناصر ارتباط دهنده مورد نظر باز هم نقش خود را به همان صورت و به همان میزان اجرا خواهند کرد؟
به موازات پرسشهای بالا، پرسش کلی‌تری که می‌توان مطرح ساخت آن است که آیا ر فارسی و عربی که بخش بزرگی از مجموعه کتابخانه‌های ما را تشکیل می‌دهند همین‌گونه

رابطه‌ها را میان خود دارند؟ یا انواع دیگری از رابطه‌ها نیز میان آنها برقرار است؟ آیا قواعد فهرست‌نویسی موجود پاسخگوی روابط کتابشناختی آثار فارسی و عربی به طور کامل هستند؟ بدیهی است پاسخ به این پرسشها نیاز به پژوهشی جداگانه در حد پایان نامه دانشگاهی دارد. ■

جدول ۱. ماتریس انواع روابط کتابشناختی و عناصر ارتباط‌دهنده آنها

نوع رابطه	رابطه هم‌ارز	رابطه اشتقاقی	رابطه توصیفی	رابطه کل و جزء	رابطه همراهی	رابطه توالی	رابطه انتزاعی	رابطه ویژگی‌های مشترک
عناصر ارتباط‌دهنده	*	*	*	*				*
سرشناسه	*	*	*	*				*
عنوان قراردادی	*	*	*	*				*
عنوان	*	*	*	*				*
شرح ویرایش	*	*	*	*				*
وضعیت انتشار (محل نشر، ناشر، تاریخ انتشار)	*	*	*	*				*
توصیف مادی	*	*	*	*				*
یادداشتها	*	*	*	*	*	*	*	*
یادداشت مندرجات	*	*	*	*	*	*	*	*
شرح نسخه‌های دیگر	*	*	*	*	*	*	*	*
شناسه‌های افزوده	*	*	*	*	*	*	*	*
شناسه‌های افزوده عنوان و نام/عنوان	*	*	*	*	*	*	*	*
شناسه افزوده فروست	*	*	*	*	*	*	*	*
شرح فروست	*	*	*	*	*	*	*	*
سرعنوانهای موضوعی	*	*	*	*	*	*	*	*
ارجاعها	*	*	*	*	*	*	*	*

یادداشتها:

۱. واژه‌های دیگری که می‌توان به جای روابط کتابشناختی (bibliographic relationships) به کار برد عبارتند از: وابستگیهای کتابشناختی و پیوندهای کتابشناختی.

2. International Conference on Cataloguing (Paris:1961). *Report*; edited by A.H. Chaplin and D. Anderson.- London: Clive Bingley [for IFLA]. 1963.

3. Goossen, Paula and E. Mazur-Rzesos. "Hierarchical Relationships in Bibliographic Descriptions: Problem Analysis." In: *Hierarchical Relationships in Bibliographic Description*. INTERMARC Software Subgroup Seminar 4, Library System Seminar, Essen, 25-27 March 1981; edited by Ahmed H. Helarl and Joachim w. weiss. Essen: Gesomthochschul bibliothek

Essen., 1982.

4. Tillett, Barbara. *Bibliographic Relationships: Towards a Conceptual Structure of Bibliographic Information Used in Cataloging*. Ph.D. dissertation. University of California, Los Angeles. 1987.

۵. در این زمینه می توان به مقالات زیر رجوع کرد.

- a) Tillett, Barbara. "A Taxonomy of Bibliographic Relationships." in: *Library Resources and Technical Services*. 35(2), 1991: 150-58.
- b) ----- "A Summary of the Treatment of Bibliographic Relationships in Cataloging Rules." in: *Library Resources and Technical Services*. 35(4), 1991: 393-405.
- c) ----- "The History of Linking Devices: Catalog Devices Connecting Bibliographic Records For Related Items." in: *Library, Resources and Technical Services*. 36(1), 1992: 23-36.
- d) ----- "Bibliographic Relationships: An Empirical Study of the LC Machine-Readable Records." in: *Library Resources and Technical Services*. 36(2), 1992: 162-88.

۶. خرمشاهی، بهاء‌الدین "فهرست‌نویسی کتب مقدس". در: پیام کتابخانه، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۷۰، ص ۴۵ - ۶۱.

۷. افشار زنجانی، ابراهیم. "آثار وابسته و فهرست‌نویسی آنها". آینه پژوهش سال دوم، شماره ششم، ۱۳۷۱، ص ۱۶-۲۳.

۸. حژی، عباس. "کتاب و عالم سوم پوپر". در: مروری اطلاعات و اطلاع‌رسانی. تهران: نشر کتابخانه (وابسته به دبیرخانه هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور)، ۱۳۷۲، ص ۱۴۵-۱۵۷.

۹. تفاوت‌های میان دیدگاه‌های مختلف در باب هدف‌های فهرست و مبنای توصیف به بهترین وجه در مقالات ارائه شده توسط اواورونا (Eva Verona) از یک سو و سیمور لوبتسکی از سوی دیگر در کنفرانس پاریس مشهود است. مذاکرات و مجموعه مقالات کنفرانس پاریس در مآخذ شماره ۲ ذکر شده است.

۱۰. رجوع شود به مآخذ شماره ۲، ص ۹۱-۹۲.

۱۱. رجوع شود به مآخذ شماره ۵ (a)

۱۲. گزارش‌های متعدد این گروه تحت عنوان زیر تهیه شده و برای اعضای گروه و صاحب‌نظران دیگر

می‌گردد تا پوسته بررسی و اصلاح شود و سرانجام متن نهایی انتشار یابد:

IFLA Study Group on the Functional Requirements of Bibliographic Records. 1992.